

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال کلپریان  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

# ایسکرا ۶۵۱

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

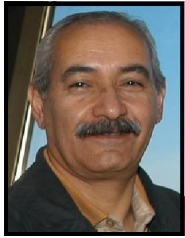
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر عبدال کلپریان

۸ آذر ۱۳۹۱، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۲

چهارشنبه ها منتشر میشود

## خطر جنگ در کردستان عراق راه حل استقلال کردستان است! مصاحبه با محمد آسنگران



عبدال کلپریان

ناروشنیها، ابهامات و مخالفت‌هایی هر چند ضعیف نیز در خارج از کشور ابراز شده است. این نوشته به واکنشهای منفی در قبال این سمینار اشاره دارد.

صفحه ۳

## واکنشها به سمینار چشم انداز اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری

گمان روح و مضمون مباحث این سمینار در میان فعالین کارگری، فعالین سیاسی و مردم تشنه خلاصی از جمهوری اسلامی افق و دورنمای چنین اتحادی برای پایان دادن به فلاکت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و اینکه با حضور يك کمونیسم قدرتمند ۳۰ سال دیگر سرشان شیره مالیده نخواهد شد به آنان امید و قدرت می بخشد. بجز این نوع از اظهار تمایل و سمپاتی به جهت گیری این سمینار،

سمینار رفیق حمید تقوایی در مورد نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری واکنشهایی را تا کنون در سطوح مختلف با خود به همراه داشته است. در صحبتها، دریافت ای مایلهها و اظهار نظرات متفاوت از دور و نزدیک پیرامون این سمینار، خوشبختانه آنگونه که انتظار می رفت با استقبال روبرو بوده است. قابل توجه ترین و امیدوار کننده ترین این استقبالها در جامعه بازتاب یافته است. بی

آسنگران دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری درمیان گذاشته ام اولین سوال من اینست که آخرین تحولات و اخبار این مناقشات از چه قرار است. چرا این شرایط پیش آمده است؟ سابقه تاریخی مرزهای توافقی یا منطقه تحت حاکمیت اقلیم کردستان از کی مورد مناقزه و دعوا است؟

**محمد آسنگران:** ریشه این موضوع اساسا به جدال دو جنبش ناسیونالیستی عرب و کرد برمیگردد. این جدالی قدیمی است و تاریخ آن طولانی است. با تحولات دهه نود میلادی در عراق از آن هنگام تا کنون عملا احزاب ناسیونالیست کرد حاکمیت کردستان را از آن خود کرده و دولت مرکزی دخالت چندانی در کردستان نمیتواند بکند. به این معنا اعمال ستم ملی هم منتفی شد. اما مسئله کرد مبنی بر تعیین چگونگی حاکمیت مناطق کرد نشین و حد و حدود آن همچنان حل نشده باقی مانده است.

بعد از اشغال عراق بوسیله آمریکا و متحدینش در سال ۲۰۰۳ متعاقبا دولت توافقی جریانات ناسیونالیست و اسلامی در عراق شکل گرفت و احزاب ناسیونالیست کرد یک پای قدرت در عراق شدند. اما همزمان اقلیم کردستان به عنوان یک دولت "فدرال" شکل گرفت و بر اساس قانون مصوب دولت عراق قانونیت یافت. از این تاریخ به بعد



نسان نودینیان: اوضاع سیاسی

در عراق وارد دوره پر از تنش و التهاب شده است. درگیری مسلحانه در "دوز خورماتو" میان نیروی ارتش عراق (سپاه عملیاتی دجله) و نیروی پیشمرگ احزاب حاکم در کردستان عراق يك كشته و بیش از ده نفر زخمی به جا گذاشت. هم اکنون نیروهای مسلح دو طرف در حال آماده باش کامل هستند. با سنگربندی نظامی در مناطق مرزی کرد نشین و عرب نشین، که شامل استانهای کرکوک، موسل، دیاله و... میشود، در يك طرف دولت مرکزی تحت حاکمیت نوری مالکی با اعزام سپاه نسبتا قوی "سپاه عملیاتی دجله" با ظرفیتهای و تجارب نظامی فرماندهان ارتش "بعث" دوره صدام حسین و در جبهه اقلیم کردستان، نیروهای مسلح پیشمرگ با ارقام هزاران نفر، عملا صف آراییی در مقابل همدیگر را فراخوان و آماده باش داده اند.

بوی باروت و توپ و خمپاره و در يك کلام جنگ این دو نیرو، فضای سیاسی در عراق و کردستان عراق را تحت تاثیر خود قرار داده است. به منظور روشن کردن جوانب و تبعات سیاسی و مشقات ناشی از این جبهه بندی ها، سوالات زیر را با محمد

## علیه جنگ در کردستان عراق فعالانه بایستیم!

نیز خود به عنوان اقدامی جنگ طلبانه علیه نیروهای "دولت اقلیم کردستان" تلقی شده و نزاع را حادث کرده است. گسیل نیروهای بیشتر از هردوسو به مناطق محل تلاقی، تهدیدات و رجزخوانی های جنگی و قطب بندی های حاد در بالای حکومت بر سر این موضوع، شرایطی ایجاد کرده است که بیم آن میرود هر لحظه جنگ گسترده ای در منطقه کردستان عراق میان

صفحه ۶

"فرماندهی عملیات دجله" و گروهی از نیروهای مسلح "دولت اقلیم کردستان" در منطقه ای بنام "توز خرماتو" در استان کرکوک ابعاد نظامی خطرناکتری به خود گرفت. اکنون دو طرف نیروهایشان را به حالت آماده باش در آورده و حالت جنگی به خود گرفته اند. "فرماندهی عملیات دجله" نیرویی نظامی است که نوری مالکی و شرکا برای عملیات در کردستان سازمان داده اند و تشکیل این نیرو

خطر جنگ و کشتار يك بار دیگر بر کردستان عراق سایه افکنده است. مدتهاست که کشمکش و اختلافات عمیقی در مورد مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی و اساسا پیرامون حوزه اختیارات دولت مرکزی عراق و دولت "اقلیم کردستان" در جریان است. این کشاکش ها به دنبال درگیری نظامی روز جمعه گذشته ۲۶ آبان میان نیروهای دولتی موسوم به

صفحه ۴	<b>اعتراضات همیشه موثر هستند!</b>
صفحه ۴	<b>افشای رپوده شدن یک جوان توسط اداره اطلاعات شهرستان پیرانشهر</b>
صفحه ۴	<b>حمله نیروهای رژیم به کارگران مرزی در منطقه باشماغ</b>
صفحه ۵	<b>زندگی نامه من (بخش چهارم و دوم) / سهیلا شریفی</b>
صفحه ۶	<b>اخبار کارگری از شهرهای کردستان</b>

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ خطر جنگ در کردستان...

کشمکش و جدال حاکمین بغداد و اربیل بر سر تسلط بر مناطق مرزی عرب نشین و کرد نشین شکل گرفت. چگونگی حاکمیت بر استان و شهر کرکوک عمدتاً به دلیل ذخایر نفتی آن در مرکز این جدال قرار دارد. اما همزمان استانهای موصل و دیاله و کل مناطق مرزی مورد بحث هم بخشی از این جدال را تشکیل میدهند. بر این اساس ماده ای قانونی که معروف به ماده ۱۴۰ میباید برای تنظیم و تقسیم قدرت دو طرف بر این مناطق تدوین و تصویب شد. این ماده قانونی مورد توافق دو طرف اجرا نشده باقی مانده است و همچنان مورد مناقشه است. جدال ناسیونالیسم عرب و کرد در یک سال گذشته بر محور جدال و اختلاف مالکی نخست وزیر و فرمانده کل قوای عراق و بارزانی به عنوان رهبر اقلیم کردستان حاد و حاد تر شد. مالکی در عراق به ارتباط نزدیک با حکومت اسلامی و سپاه پاسداران اسلامی معروف است و گفته میشود نیروی ایران در عراق است. ائتلافهایی از احزاب کرد و غیر کرد که عمدتاً شامل حزب دمکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان عراق و دو جریان علوی و مقتصد صدر برای عزل مالکی شکل گرفت. در میانه راه با دخالت و اعمال فشار جمهوری اسلامی جلال طالبانی و مقتدا صدر از پیگیری پروژه عزل مالکی پشیمان شدند. مالکی در قدرت ماند. طالبانی و جریان علوی و مقتدا صدر سعی کردند با سازش همراه با دیالوگ انتقادی با مالکی موقعیت خود را تحکیم کنند. اما مالکی از این فرصت استفاده کرد و برای قدر قدرتی خود و تعیین تکلیف جدالش با بارزانی یک سپاه عملیاتی به اسم "سپاه عملیاتی دجله" سازمان داد و یکی از فرماندهان شناخته شده قبلی ارتش صدام حسین را به فرماندهی این سپاه تعیین کرد و آنها را همراه انواع سلاح سبک و سنگین روانه کرکوک کرد. هدف این سپاه اسما حفاظت از مرزهای عراق در مناطق کردستان تعیین شد. اما اولین اقدامات سنگر بندی و اعمال قدرت در اطراف شهر کرکوک بود. با این تحرکات نیروی پیشمرگ احزاب

حاکم بر کردستان عراق هم به تقویت نیروی مسلح خود در این مناطق پرداختند. این دو نیروی مسلح در شهر "دوز خرماتو" با هم درگیر شدند و چند نفر زخمی و کشته نتیجه درگیری آنها بود. به دنبال این برخورد نظامی دو طرف نیروهای بیشتری به مناطق مورد اختلاف اعزام کردند و اعلام آماده باش نظامی دو طرف برای جنگی بزرگتر از نتایج این جدال تا کنون است.

با این تحولات رئیس پارلمان عراق طی سفری به کردستان و ملاقات با بارزانی زمینه مذاکره و توافق را فراهم کرد و این مذاکرات تا این لحظه همچنان ادامه دارد. طرفهای مذاکره عبارتند از دو هیئت نظامی از وزارت دفاع عراق و وزارت پیشمرگ کردستان عراق، بعلاوه یک هیئت از نمایندگان آمریکا که تلاش میکنند تعادلی میان نیروهای دو طرف ایجاد کنند. بر اساس نتایج اعلام شده این مذاکرات قرار است هر دو طرف نیروهای اعزامی خود را به جاهای قبلی برگردانند و از درگیری نظامی پرهیز کنند. اما معلوم است که این توافق موقتی است و تا کنون هیچ تضمینی برای عدم از سر گیری جنگ نظامی تمام عیار وجود ندارد.

مناقشات بین دولت عراق و حاکمیت اقلیم کردستان عراق هر دو حادتر میشود و در هفته گذشته به رودرویی های نظامی منجر شد. این مساله مهمی است که کل منطقه را تحت تاثیر خود قرار میدهد. رقابت دو جریان حاکم در کردستان عراق و بغداد تازه نیست. آنچه تازه است حاد شدن این مناقشات و نزدیک شدن به فاز نظامی است.

**نسان نودینیان:** به گفته مسعود بارزانی اختلافات دو طرف این جدال از این قرارند: عدم پایبندی مالکی به قانون اساسی عراق (اجرا نشدن ماده ۱۴۰)، مسئله حاکمیت بر کرکوک و دیگر مناطق کرد نشین خارج از محدوده اقلیم، بودجه پیشمرگ، مسئله نفت و گاز و به قول بارزانی عدم تمرکز قدرت که هم اکنون نوری مالکی آنرا در دست خود قبضه نموده است. به نظر شما بر متن این زمینه ها

که روزانه از طریق میدیا و رسانه ها در میان جامعه کردستان افکار عمومی مردم را احاطه کرده اند، جنگ و درگیری مسلحانه یا راه حل دیپلماسی مثل راه حل دخالت دولتهای آمریکا و ائتلاف و یا راه حل استقلال کردستان کدامیک میتواند مردم را از نگرانی کنونی نجات بدهد؟

**محمد آسگران:** اختلافاتی که مسعود بارزانی به آن اشاره کرده است هر کدام گوشه هایی از مناقشات دو طرف را تشکیل میدهد. اما اصل مناقشه بر سر حاکمیت و سهم خواهی دو طرف برای تصاحب قدرت و کسب امکانات بیشتر در کردستان است. در این میان تسلط بر شهر کرکوک به دلیل وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و گوگرد آن در مرکز این جدال قرار دارد. البته دیگر ذخایر نفتی در مناطق کرد نشین هم به اندازه کافی وسوسه کننده است و هر کدام تلاش میکنند بر آن ذخایر مسلط شوند. بنابر این قدرت سیاسی و کسب حاکمیت بر مناطق کرد نشین در شرایط فعلی اساس اختلاف آنها را تشکیل میدهد. ولی ناگفته پیداست که این قدرت و حاکمیت را برای تسلط و بهره برداری از ذخایر عظیم نفتی و گازی و دیگر منابع این مناطق میخواهند. به این معنا هیچ کلام از دو طرف جدال، نمایندنده خواست و امیال مردم نیستند. در این میان هیچکدام از دو طرف درگیر، به فکر مردم و زندگی آنها و مطالبات آنها نیستند.

اما در مورد راه حلها باید بگویم جنگ و راه حل نظامی فقط به کشتار مردم و ویرانی بیشتر این مناطق منجر میشود و نهایتاً دو طرف به هر نتیجه و سازشی برسند مردم بازنده اصلی آن و قربانی آن خواهند بود. راه حل دیپلماسی و مذاکره با دخالت آمریکا برای ایجاد تعادلی جدید در میان این نیروهای ارتجاعی حاکم بر عراق هم جواب نیست. زیرا تا هنگامیکه مسئله کرد حل نشده باقی بماند این جدال و کشمکش میتواند هر آن سر باز کند و مردم را گوشت دم توپ دو طرف کند. آمریکا هم به نسبت منافع و منافع خود در هر دوره ای در کنار جریانات و دولتهای خاصی قرار میگیرد. نزدیکی آمریکا به احزاب

حاکم بر کردستان عراق هم همیشگی و استراتژیک نیست که احزاب ناسیونالیست بتوانند به آن دل خوش کنند. فردای بعد از تحولات سوریه امکان اینکه ترکیه و آمریکا سیاست دیگری را در پیش گیرند و همین احزاب حاکم بر کردستان عراق را به نفع دولت مرکزی عراق تحت فشار قرار دهند کم نیست.

بنابر این تنها راه حل مسئولانه و کم دردهی که میتواند برای همیشه جدال ناسیونالیسم کرد و عرب را پایان دهد و مانع درگیری و جنگ و خونریزی شود و در عین حال مسئله کرد را یک بار برای همیشه حل کند، به رسمیت شناختن کردستان عراق به عنوان یک دولت مستقل و تشکیل دولت کردستان است. اگر مردم ساکن کردستان عراق بتوانند دولتی مستقل غیر قومی و غیر مذهبی را در کنار دولت عراق برپا کنند، امکان این را فراهم میکنند که مردم کرد و عرب در کنار همدیگر زندگی کنند. این راه حل امکان دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود را بیشتر از هر راه حل دیگری فراهم میکند.

**نسان نودینیان:** حزب کمونیست کارگری در رابطه با این مساله اطلاعیه ای داده است. فراخوان شما چیست؟

**محمد آسگران:** من فکر میکنم مردم و نیروهای چپ و سکولار عراق باید خطر جنگ و جدال دو طرف درگیر را بیش از همیشه درک کنند و ماهیت ارتجاعی دو طرف را بیش از همیشه متوجه شده باشند. برای مهار و کنار زدن این جریانات ارتجاعی ناسیونالیست و اسلامی حاکم بر عراق، مردم و در راس آنها جریانات چپ باید اقدامات عملی مشخصی را در دستور قرار دهند.

جریانات چپ بویژه جریانات کمونیسم کارگری در عراق لازم و ضروری است یک جبهه مستقل از دو طرف این جدال را نمایندگی کنند. به یک معنا جبهه سوم یا همان مردم فراموش شده که هست و نیستشان اکنون در معرض خطر جدی جنگ دو طرف ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی قرار گرفته است، باید به میدان بیایند. مردم باید علیه سیاستهای جنگ

طلبانه متحدانه به میدان بیایند و اعمال حاکمیت خود را به عنوان آلترناتیو طرفین درگیر مطرح کنند. مردم و در راس آنها نیروهای چپ و آزادیخواه و حق طلب کرد و عرب، باید دولت مالکی را تحت فشار قرار دهند که دست از ماجراجویی و لشکر کشی به سبک صدام حسین بردارد و به او بفهمانند که مسئله کرد راه حل نظامی ندارد. تجربه تاریخی عراق، ترکیه و ایران اینرا ثابت کرده است. مردم باید برای برکناری مالکی و همه جریانات اسلامی و ناسیونالیست از قدرت و اعمال حاکمیت خود به میدان بیایند. تنها راه حل انسانی و مترقی در کردستان هم این است که مردم کردستان به منظور اعمال حاکمیت خود دست به کار ایجاد سازمانها و تشکلهای توده ای خود بشوند و تلاش کنند جریانات مافیایی ناسیونالیست و اسلامی کرد را حاشیه ای کنند و با اجرای یک رفراندوم در مناطق کرد نشین شرایط و زمینه تشکیل دولت مستقل کردستان را فراهم نمایند.

**نسان نودینیان:** مردم عراق بطور کلی و مردم کردستان عراق چه نفعی در این میان دارند؟

**محمد آسگران:** هیچ نفعی ندارند. مردم تا وقتی که نتوانند با اعمال حاکمیت متشکل خود این جریانات ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیست را حاشیه ای کنند، زندگیشان همچنان در معرض خطر جنگ و خونریزی و خانه خرابی این جریانات قرار دارد.

**نسان نودینیان:** نقش دولت های منطقه و مواضع آنها چیست؟

**محمد آسگران:** جمهوری اسلامی تماماً در کنار مالکی و دست اندر کار تقویت دیگر جریانات اسلامی تروریست در عراق است و از راههای مختلف جریانات حاکم بر کردستان را هم تحت فشار قرار داده است که با مالکی و دیگر جریانات اسلامی همراه شوند. دولت ترکیه فعلاً و در شرایط کنونی که موضوع سوریه حاد شده است، خود را نزدیک احزاب حاکم در کردستان عراق میداند و علاقه مند است که دولت مالکی به دلیل همراهیش با

## از صفحه ۱ واکنشها به سمینار چشم انداز...

مخالفتها دارای وجه اشتراکات عمومی تری هستند. دو وجه اشتراک را می توان در مخالفت با آن دید. یکم اینکه نفس برگزاری سمینار مثبت ارزیابی می شود که این خود قدمی به جلو است اما کافی نیست و دوم اینکه در ادامه این مثبت ارزیابی کردنها اظهار نظرات پیرامون مضمون و محتوای آن با اما و اگرهای جانبی و سطحی روبرو می شود که در نهایت اصل صورت مسئله و رویکرد سمینار را حاشیه ای می کند.

مخالفین ضمن تأیید اقدام به این سمینار از سوی حمید تقوایی، بلافاصله به جنبه های سطحی موضوع نظیر مسایل مربوط به دوران انشعاب و از موضعی مخالف در ارزیابی از مواضع سیاسی و پراتیک حزب کمونیست کارگری در سالهای بعد از انشعاب می پردازند و نتیجه می گیرند که تا حل و فصل مسایل گذشته اتحاد و نزدیکی نمیشود، زود است مگر اینکه تسویه حسابهای گذشته را روی میز گذاشت.

دوستان و رفقای که با چنین تصویری از سمینار هنوز ناروشن هستند و یا در بدترین حالت با آن توافق ندارند، نقطه حرکتشان نه از سر جنبشهای اجتماعی و تغییر و تحولات امروز بلکه بر عکس نقطه حرکت آنان از سر مواضع فردی و فرقه گرایانه است و با توضیحاتی نظری، ذهنی و ایدئولوژیک به مباحث مطرح در این سمینار می پردازند.

طی چند سال گذشته احزاب و نیروهای مدافع کمونیسم کارگری بر سر اتخاذ تاکتیکها، مواضع سیاسی، پراتیکی و همچنین علل اختلافات سیاسی که انشعاب را از خود بروز داد، هر کدام بطور روشن حرفهای خود را در مقالات، نوشته هایشان بیان کرده و به اندازه کافی نقدهای متقابل نیز صورت گرفته است. تمرکز بر سر این جنبه ها و جدل و مبارزه نظری پیرامون آن کاملاً در مغایرت با مضمون و محتوای سمینار مورد نظر بعنوان یک رویکرد و یک ضرورت تاریخی در پاسخ به اوضاع سیاسی دنیای امروز است. چنین نگاه محدودی به افق این سمینار، بازگشتی به عقب و

در مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران در سالهای ۶۱ و ۶۲ در پروسه نزدیکی اتحاد مبارزان کمونیست و کومه له نه تنها این دو سازمان در تاکتیکها و مواضع سیاسی شباهتی به هم نداشتند بلکه در سطح بسیار پایه ای تری از هم دور بودند. کومه له یک جریان ماتویستی بود و بخشی از این سازمان جامعه ایران را نیمه فئودال و نیمه مستعمره ارزیابی می کرد. پوپولیسم بخشی از هویت کومه له بود. اطلاعیه های آندوره کومه له با "هم میهنان مبارز" شروع می شد.

اما با این اوصاف تلاشهای منصور حکمت و جریان سهند در پاسخ به یک نیاز تاریخی زمانه صورت گرفت. تفاوتها در هر سطوحی از مواضع، دیدگاهها و مهتمتر از آن از نظر افق و جهانی بینی مارکسیستی مابین این دو سازمان فاصله زیادی با هم داشتند. اما همانطوریکه اشاره شد اهمیت دادن در پاسخ به یک نیاز واقعی، عینی و اجتماعی که هر کدام از این دو جریان را در قامت سازمانهایی در خدمت به آن شکل داده بود، بعد از طی پروسه معینی با تشکیل حزب کمونیست ایران در اشل دیگری این پاسخ و تحقق این هدف را ممکن ساخت.

بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران جمعها، افراد و سازمانهای کوچکتری که هیچگونه نزدیکی سیاسی، و پراتیکی با حزب کمونیست ایران نداشتند برای تقویت کمونیسم در ایران و در مصاف با دشمن طبقاتی سرمایه داری اسلامی به حزب کمونیست پیوستند. اکثریت چپ جامعه با این اتحاد و نزدیکی بدور حزب کمونیست حلقه زد، زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم اسلامی قوت قلب گرفتند و کارگران و زحمتکشانش احساس امید کردند.

برای من که از ابتدا تا به امروز با این تاریخ فعالیت سیاسی داشته ام چنین مخالفتهایی یا در بهترین حالت چنین ابهامات و ناروشنیهای نظری و ایدئولوژیک و فرقه گرایانه ای بنظم عقب تر از مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران است. چرا که در آن دوران حداقل چنین نگرش محدود نگرانه ای از موقعیت فردی، سازمانی، ایدئولوژیک، اختلافات سیاسی و مهتمتر از اینها تفاوت افق و استراتژی این دو جریان نتوانست

## از صفحه ۲ خطر جنگ در کردستان...

جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارد. در عین حال ترکیه از طریق کمک احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق تلاش میکند که در کردستان سوریه نیروی متحد خود را سازمان بدهد و همین چند روز گذشته در شهر اربیل نیرویی به اسم "ارتش آزاد کردستان سوریه" تشکیل شد، که این هدف را دنبال میکند. دولتهای عربی به دلیل مناقشات منطقه ای و اختلاف منافعی که با جمهوری اسلامی دارند، نیروهای اسلامی متحد جمهوری اسلامی در عراق را مانع اعمال نفوذ خود در این کشور میبینند و خود را در جبهه ترکیه و از این طریق نزدیک به احزاب حاکم در کردستان عراق میبینند. دولت آمریکا هم اگر چه تلاش میکند که تعادل قوای جدیدی در عراق را به نفع احزاب کرد حاکم بر کردستان عراق تقویت کند اما این

نقش را اساساً در چهار چوب منافع عمومی تر خود در تحولات منطقه از جمله تحولات سوریه و احتمالاً در قدم بعدی ایران دنبال میکند. لازم به تأکید است که این موقعیت حاصل دوره کنونی و اوضاع حاد سوریه است. بدون شک بعد از سقوط اسد، جمهوری اسلامی در موقعیت ضعیفتری قرار خواهد گرفت و ناچار به امتیاز دهی بیشتری به ترکیه و کشورهای عربی خواهد شد. ناگفته نماند که جمهوری اسلامی همزمان تلاش میکند راه سازش با غرب را هم مطرح کند. اما کل این پروسه به تضعیف جبهه جمهوری اسلامی و تبعاً مالکی می انجامد. با این حال در دراز مدت تا هنگامیکه مسئله کرد لاینحل مانده باشد امکان جنگ و خون ریزی بین ناسیونالیسم کرد و عرب وجود دارد.\*

دوستان و رفقا بجای از سر نمی شود زود بودن، زخهها زیاد است، به این گوشه و آن گوشه از عملکرد گذشته انتقاد داریم و با چسبیدن به جنبه های سطحی و غیره، بر روی اصل رویکرد و افق این سمینار و آینده آن معطوف شوند. صرف جمع شدن و یکی شدن فیزیکی این نیروها بطور در خود نیز پاسخگوی جهت گیری این سمینار نیست. پاسخ به نیاز ایندوره بسیار فراتر از هر گونه مواضع و اختلاف نظرات مربوط به گذشته است.

سمینار حمید تقوایی قبل از هر چیز می خواهد به اوضاع سیاسی و پر تحول دنیای امروز و پاسخ کمونیستهای کارگری به این اوضاع جواب دهد. امروز مقطع فروپاشی دیوار برلین نیست، یازده سپتامبر و دوره جنگ تروریستها هم نیست. مقطع کنونی هیچ شباهتی به دوران تشکیل حزب کمونیست ایران هم ندارد. با دوران انشعابات که بر ستر اختلافات سیاسی بوجود آمد نیز مربوط نیست. امروز دوران بحران و بن بست سرمایه جهانی، جنبش ۹۹ درصدیها در مقیاس بین المللی، انقلابات در منطقه، تحولات جهانی، ازبه گل نشستن کشتی

## از صفحه ۳ واکنشها به سمینار چشم انداز...

## اعتراضات همیشه موثر هستند!



محکوم کرد و خواهان آزادی زندانیان سیاسی شد و همچنین خواهان روشن شدن موضوع قتل ستار بهشتی شد. اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی ایران خواست که مانعی برای سفر نسرین ستوده و جعفر پناهی به استراسبورگ برای دریافت جایزه ساخارف که در روز ۱۳ دسامبر است، ایجاد نکند.

همچنین در هفته گذشته در آلمان نیکی کریمی جایزه ای دریافت کرد بدلیل ساختن فیلم سوت پایان که اساسا به موضوع اعدام یک زن و مبارزه بر علیه آن میپردازد. فیلمی که همه را یاد فاطمه حقیقت پژوه میاندازد زنی که اتفاقا در سال ۲۰۰۸ در نیمه شب ۲۴ نوامبر یعنی همین امروز اعدام شد.

همه اینها نشان میدهد که اعتراضات به اعدامها در ایران توجه های زیادی را بخود جلب کرده و این مبارزه مهم علیه حکومت اسلامی ایران همواره موثر بوده و یک جنبه مهم بارزه علیه حکومت اسلامی ایران و در دفاع از حقوق و حرمت انسانی بوده است. این مبارزات باید با قدرت بیشتری به پیش برده شود. یکبار دیگر به همه افراد و سازمانهایی که علیه اعدام افشاگری و مبارزه کرده اند درود میفرستیم و میگوییم زنده باد جنبش علیه اعدام

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۴ نوامبر ۲۰۱۲

۱۸ ساله هستند در شرایط وخیم روحی و جسمی هستند و خانواده ها خواهان انتقال آنها از انفرادی و به بخش عمومی انتقال یافتند.

روز سه شنبه هفته گذشته حکومت اسلامی ایران ده نفر زندانی متهم سلفی را از رجایی شهر به قتل حصار انتقال داد و خطر اجرای حکم اعدام برای این ده نفر جدی بود. خانواده های آنها در مقابل مرکز خبری وزارت اطلاعات و استانداری تجمع کردند.

خانواده های این محکومین به اعدام سه روز در مقابل مراکز حکومتی در سندانج تجمع کردند و اعتراضات در سطح بین المللی نتیجه داد و فعلا هشت نفر از آنها به بخش عمومی منتقل شده اند. طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده محمد ظاهر بهمنی و حامد احمدی از جمع ده نفر هنوز در سلول انفرادی هستند و خانواده های این دو نفر در کرج بعد از ملاقات با این دو گفته اند که این دو جوان که گفته میشود ۱۷

هشت نفر از زندانیان محکوم به اعدام در زندان قزل حصار از انفرادی خارج شده و به بخش عمومی انتقال یافتند.

روز سه شنبه هفته گذشته حکومت اسلامی ایران ده نفر زندانی متهم سلفی را از رجایی شهر به قتل حصار انتقال داد و خطر اجرای حکم اعدام برای این ده نفر جدی بود. خانواده های آنها در مقابل مرکز خبری وزارت اطلاعات و استانداری تجمع کردند.

خانواده های این محکومین به اعدام سه روز در مقابل مراکز حکومتی در سندانج تجمع کردند و اعتراضات در سطح بین المللی نتیجه داد و فعلا هشت نفر از آنها به بخش عمومی منتقل شده اند. طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده محمد ظاهر بهمنی و حامد احمدی از جمع ده نفر هنوز در سلول انفرادی هستند و خانواده های این دو نفر در کرج بعد از ملاقات با این دو گفته اند که این دو جوان که گفته میشود ۱۷

مارکسیسم، نقش و رسالت تاریخی کمونیسم کارگری حکمت قرار بود پاسخگوی چنین نیازهایی باشد. اگر کمونیسم کارگری نتواند به چنین نیازهای تاریخی زمانه جواب دهد و خود را بدان معطوف کند شانسش برای گرفتن قدرت سیاسی نخواهد داشت. در بطن چنین اوضاعی این تلاش حرکتی برای به ثمر رسانیدن اهداف بیش از سه دهه از کار و کوشش کمونیستهایی است که می توانند و قادر هستند کمونیسم را در ایران به پیروزی برسانند و مسیر تاریخ را به نفع طبقه کارگر و انسانیت تغییر دهند. نزدیکی و اتحاد جریانات موسوم به کمونیسم کارگری در قامت یک حزب قدرتمند اجتماعی می تواند و قادر است کمونیسم در ایران را به پیروزی برساند.

برای مارکسیستهای کمونیسم کارگری واژه "اتحاد" حلقه ای کلیدی در جهت تحقق اهداف سوسیالیستی جنبش کارگری است. "کارگران جهان متحد شوید" شعار تعیین کننده و سرنوشت ساز است. اکنون این واژه دارد درب احزاب و نیروهای کمونیسم کارگری را می زند. گام نهادن در جهت تحکیم و نزدیکی اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری انتخابی سیاسی و تاریخی است شرایط و اوضاع امروز را باید دید و تشخیص داد. جنبشهای اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری از جریان کمونیسم کارگری انتظار دارد تا آلترناتیو قدرتمندی در پاسخ به شرایط و اوضاع موجود باشد.

سمینار حمید تقوایی برای نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری گویای پوست انداختن جریان کمونیسم کارگری است. آنچه که طرح این موضوع را لازم و ضروری کرده است همانا پاسخ به اوضاع و تحولات کنونی بیرون از ما است. بدون شك این رویکرد مدافعان پروپا قرص خود را در جنبش کارگری، در میان جنبشهای اجتماعی و همچنین کادرها و فعالین روشن بین و با سابقه نیروهای موسوم به کمونیسم کارگری و برابری تقویت و تحقق این رویکرد پیدا خواهد کرد.

۲۶ نوامبر ۲۰۱۲

جمهوری اسلامی در داخل و خارج تا اعتراضات و موج ناراضیاتی مردم در داخل کشور و مهمتر از همه پشت سر گذاشتن حرکت انقلابی مردم در سال ۸۸ و بسیاری فاکتورهای دیگر است که همگی نشان می دهد رفتن به مصاف با اوضاع فعلی نیازمند صفی قدرتمند از کمونیستهای کارگری است. دیدن چنین ضرورت و رویکردی بعنوان نقطه امید ۹۹ درصد مردم و برای جنبش کارگری والاتر از اما و اگرهای مربوط به گذشته است. اختلافات سیاسی ای که در مقطع خود بحثها و نقدهای متقابل حول آن صورت گرفت اکنون دیگر به تاریخ پیوسته است. احزاب و سازمانهای بنام چپ و کمونیسم و مشخصا کمونیسم کارگری قرار بود ساخته شوند تا به این ضرورتها و نیازهای سیاسی، اجتماعی، تاریخی و طبقاتی در سطح کلان و ماکرو بویژه در مقاطع سرنوشت ساز جواب دهند. رویکرد اتحاد و نزدیکی نیروهای کمونیسم کارگری یک سنت جدید در تاریخ چپ ایران در مقطع کنونی است. تحقق این هدف قبل از هر چیز بازتاب خود را در میان مردم، در میان جنبشهای اجتماعی و در میان طبقه کارگر خواهد داشت. تحقق این امر منجر به متشکل تر شدن جنبش اعتراضی و اجتماعی علیه حکومت اسلامی و کل نظم سرمایه در ایران خواهد بود. گام نهادن در این مسیر نقطه امید و آلترناتیوی قابل ملاحظه در آینده کل جامعه و طبقه کارگر خواهد بود.

استقبال از این رویکرد و تلاش برای تحقق آن سبب خواهد شد که حکومتهایی از نوع بازرگان ها، مرسی ها، نیروهای ناسیونالیست پروغرب و قومی کوچکترین شانس برای شیره مالیدن بر سر میلیونها مردم فقر زده و بسته آمده در ایران را نداشته باشند. تحقق این امر سبب خواهد شد جنبش کارگری احساس قدرت کند و اعتصابات قدرتمند کارگری را در همراهی با حزب خود و برای برچیدن سیستم موجود با صلابت و موفقیت به پیش ببرد. ضرورت طرح بحث اتحاد و نزدیکی نیروهای کمونیسم کارگری ابتدا و بدو در پاسخ به این نیازها موضوعیت دارد. پیدایش

## افشای ربه شده شدن یک جوان توسط اداره اطلاعات شهرستان پیرانشهر

روز پنجشنبه دوم آذرماه پس از احضار عبدالله اسماعیلی اهل پیرانشهر به اداره اطلاعات این شهرستان، مشخص شد که فرزند وی به نام رحمان اسماعیلی که از حدود ۳ روز قبل از احضار به صورت نامعلومی مفقود گردیده در واقع به دلایل نامشخصی توسط اداره اطلاعات شهرستان پیرانشهر ربه شده است.

در تاریخ شنبه چهارم آذر ماه با پدرنامبرده اظهار داشت که: در شب دوشنبه ۲۹ آبان پس از عدم مراجعت فرزندم به منزل جهت یافتن وی به جستجو پرداختیم اما با گذشت بیش از ۳ روز و با مراجعات و تماسهای مکرر به اقوام، آشنایان، پلیس و بیمارستان شهر، هیچ کس ویا هیچ نهاد دولتی از سرنوشت فرزندم اطلاعی در دست نداشتند، تا اینکه روز پنجشنبه و پس از احضار تلفنی به اداره اطلاعات شهرستان پیرانشهر متوجه شدم که فرزندم در بازداشت نیروهای امنیتی و اطلاعاتی این شهرستان قرار دارد و از اتهام یا اتهامات وارده بر فرزندم هیچ اطلاعی در دست ندارم و نیز از صحت سلامتی وی نیز کاملاً بی اطلاع هستم.

## حمله نیروهای رژیم به کارگران مرزی در منطقه باشماغ

طی سه روز گذشته نیروی انتظامی رژیم با حمله به پارکینگ پیله وری "باشماغ" در منطقه مرزبان اقدام به اذیت و آزار کارگران مرزی و ضبط صدها گالن سوخت متعلق به آنان نمود. خبر رسیده حاکی است ماموران نیروی انتظامی رژیم مستقر در پاسگاههای باشماغ و "به رده ره شه" مرزبان طی روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه با حمله به پارکینگ پیله وری باشماغ ضمن اذیت و آزار کارگران مرزی اقدام به ضبط حدود ۳۰۰ گالن سوخت متعلق به آنان نموده اند.



## زندگی نامه من (بخش چهل و دوم)

در اختیار پناهجویان می گذاشت، او یا من جان سالم بدر نبریم. نمونه ها کم نبودند. دوستان خودمان در آخرین لحظه بعد از زایمان نوزادشان را از دست دادند و خیلی از زنانی که در آنجا زایمان کرده بودند، دچار انواع مریضیها شده بودند. تا همانجا هم برای اینکه در رشد جنین خللی وارد نشود، خودمان را زیر بار قرض برده بودیم و از هر جا که توانسه بودیم پول قرض کرده بودیم که مواد غذایی لازم را بخاطر رشد و سلامت جنین به او برسانیم. میوه تازه و شیر و گوشت و مواد مقوی که معمولا از غذای بسیاری از پناهجویان حذف شده بود را ما مرتبا تهیه می کردیم و من بهانه بسیار موجهی برای خوردن و لذت بردن از غذا داشتم. با دیدن میوه های رنگارنگ سه شنبه بازارها آب از لب و لوجه ام سرازیر میشد و معمولا نمی توانستم جلوی خودم را بگیرم تا برسیم خانه و از همانجا شروع به خوردن می کردم. یک سینی پر از کیلاس و زردآلو و شفت آلو و آلوچه و غیره و غیره چیزی بود که همیشه بعد از یک راهپیمایی طولانی آرزو می کردم و چون یخچال نداشتیم معمولا دو روز اول بعد از هفته بازار می توانستیم این آرزو را برآورده کنیم و با شریا عصرها به خودمان می رسیدیم.

حالا به این ترتیب مجبور می شدیم تا چند ماه دیگر هم ترکیه بمانیم و معلوم نبود چه بلای بی سر بچه امان می آمد. دلمان نمی خواست بپذیریم که امکان سفرمان برای هفته آینده به هم خورده است و باید برگردیم خانه و منتظر باشیم. در راهروی بیمارستان روی یک نیمکت نشستیم و در سکوت با افکارمان مشغول شدیم. اگر بدون اجازه دکتر سوار هواپیما می شدیم، احتمال داشت که ما را راه ندهند و پلیطمان هم بسوزد. احتمالات مختلف را در ذهنمان زیر و رو می کردیم و بی نتیجه به هم نگاه می کردیم. نمی دانم چی شد که در آن گیر و دار چشم علی خورد به یک اطلاعیه که روی دیوار مقابلمان بود و مثل برق زده ها از جا پریدیم. اطلاعیه را رئیس بیمارستان امضا کرده بود، درست همان امضایی که

ما می خواستیم. به هم نگاه کردیم، انگار بخواهیم به هم بگوئیم "تو هم به همان چیزی فکر می کنی که من فکر می کنم؟" می توانستیم با تقلید از امضای روی دیوار، کاغذی که در دستمان بود را امضا کنیم و بیپریم. اگر می فهمیدند خیلی بد میشد و دچار دردسر می شدیم. امضای جعلی همه جای دنیا جرم سنگینی است. اما در آن شرایط کی بفکر اجرای قانون بود. چه بلای ممکن بود سرمان بیاید که تا بحال نیامده بود. زندان ترکیه را هم تجربه کرده بودیم و اگر قرار بود بچه امان از دست برود چه فرقی می کرد در زندان باشد یا بیمارستان. بهرحال تصمیم گرفتیم ورقه را خودمان امضا کنیم. فکر کنم بعد از چند بار نه تو امضا بکن نه تو بهتر است امضا کنی، من خودم با دستان لرزان و عرق کرده چیزی را که فکر می کردم شبیه امضای رئیس بیمارستان بود پای ورقه کشیدم و بعد در حالی که از ترس و نگرانی رنگمان پریده بود به طرف زیر زمین رفتم که از بخش اداری بخواهیم آنرا برایمان مهر بزنند. مرد جوانی که پشت میز بود چند بار با شک و تردید ورقه را خوانده و به شکم برآمده من نگاه کرد. انگار باورش نمی شد رئیس بیمارستان اجازه داده باشد من پرواز کنم. یا شاید هم کار هنری من را قبول نداشت و به امضای پای نامه مشکوک بود. پرسید کی اینرا امضا کرده است. ما هم گفتیم آقای رئیس بیمارستان. انگار این جواب قانعش نکرده بود، دوباره پرسید "چه شکلی بود؟" "کی؟" رئیس بیمارستان؟ "با صدائی که ته مایه ای از زنجش در آن هویدا بود جواب داد "بله همان کسی که اینرا امضا کرد. بگو ببینم چه شکلی بود؟" خوب لبته اینکه کاری نداشت. ما همه اش چند دقیقه پیش او را دیده بودیم و با اطمینان او را و حتی لباسش را و ساعت طلای دستش را توصیف کردیم. مرد جوان چاره ای نداشت. با وجود اینکه هنوز مشکوک بود، اما نمی دانست کجای کار اشکال دارد و نهایتا با بی میلی ورقه را مهر زد و به ما پس داد. ما تمام راه تا خانه را انگار داشتیم پرواز می کردیم. با آخرین پولهایی که توانسته بودیم قرض کنیم چند تکه لباس و مقداری خرت و پرت خریدیم و روز

## نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم! گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردری آنها تماما حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست. و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوئیم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینکا اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده میشود. و همین را باید میلیونی و سراسری کرد.

تک تک ما مردم حق داریم نه فقط نان و میوه و خانه و کاشانه مناسبی داشته باشیم، بلکه زندگی مرفه و شاد حق ماست. برخورداری از همه نعمات حق ماست. برخورداری از پزشک و داروی رایگان حق ماست. تحصیل رایگان و مناسب حق همه فرزندان ماست. استراحت و تفریح و مسافرت و استفاده از آخرین دستاوردهای زندگی حق همه ماست. هیچ تک نفری چه شاغل چه بیکار چه بیمار و چه معلول، در این جامعه نباید گرسنه و محروم و حسرت کشیده بماند. ما انسانیم و زندگی انسانی حق بی چون و چرای تک تک ماست.

این حکومت و این نظام ناعادلانه سرمایه داری را میتوانیم درهم بکوبیم و جامعه ای آزاد و شاد و مرفه و انسانی را برپا داریم.

**زنده باد انقلاب انسانی برای جامعه ای انسانی!**  
**زنده باد سوسیالیسم!**  
**حزب کمونیست کارگری ایران**

## توجه توجه

فرکانس بخش کانال جدید تغییر کرده است

مشخصات جدید ماهواره: KURD KANNEL

هات برد ۸  
ترانسپوندر ۱۵۵  
فرکانس ۱۱۶۴۲ افقی  
اف ای سی ۵/۶  
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

تغییر فرکانس کانال جدید را به اطلاع همه برسانید

موسعود با تعدادی دیگر از پناهجویان خوش شانسی که مثل ما پرواز داشتند برای آخرین بار جلوی در یو ان جمع شدیم و پلیطهایمان را تحویل گرفتیم. دم در هواپیما نامه رئیس بیمارستان را با آن امضای تقلبی به مهماندار متعجبی که شکم من را نگاه می کرد و آشکارا صحنه زایمان در هواپیما را در ذهنش مجسم می کرد نشان دادیم و از هفتمین خوان هم به سلامت گذر کردیم. هوا هنوز تازه روشن شده بود و آفتاب تازه بالا

آمده بود که هواپیما اوج گرفت و آنکارا و خانه ها و مردمش کوچکتر و کوچکتر شدند. به علی نگاه کردم و جواب لبخندش را دادم. دستهایمان روی شکم و کودکی که گویا او هم هیجان ما را درک کرده بود و دست و پا می زد، گذاشتیم. آینده ای که دربرابرم بود پر از ناشناخته ها بود، اما جای نگرانی نبود، ما بدترین ها را پشت سر گذاشته بودیم.

پایان



### گزارشی از ادامه شرایط ضد کارگری در شرکت سقر سازی کردستان (ون)

طبق گزارشات رسیده، شرکت سقر سازی کردستان طی یک جلسه به کارگران قراردادی که حدود ۲۰ نفر هستند، اعلام نموده که هر روز موظف به انجام ۴ ساعت اضافه کاری اجباری هستند؛ و اگر کارگری خود را با این ضوابط تطبیق ندهد، باید استعفا بدهد. در مقابل کارگران به این سیاست ضد کارگری اعتراض نمودند و یکی از کارگران به نام محمد مصطفایی در اعتراض این شرایط، استعفاي خود را نوشت و از شرکت بیرون آمد. محمد مصطفایی یکی از کارگران با سابقه‌ی این شرکت بود که بر اثر کارهای سنگین، دچار دردهای همیشگی در ناحیه کمر و شانه شده بود.

همچنین در نامه ای مکتوب که در تابلوی اعلانات این شرکت نصب شده، صحبت کردن کارگران با گوشی شخصی ممنوع شده، مگر در مواقع ضروری و فقط به مدت ۲ دقیقه مجاز به استفاده از تلفن همراه هستند!

### اعمال شرایط سخت و ضد کارگری در پروژه راه آهن همدان - سنندج

پروژه راه آهن همدان - سنندج (قطعه ۲ به نام قرارگاه خاتم سیدالشهدا) دارای ۱۰۰ نفر کارگر می باشد. کارگران این پروژه روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار (۷ صبح الی ۶ بعدازظهر) را متحمل می شوند و مجبور به انجام اضافه کاری اجباری هستند؛ در صورتی که از ۱۲۰ ساعت اضافه کاری ماهانه تنها حقوق ۳۰ ساعت از آن را دریافت می کنند. کارفرمای این پروژه از روز دوشنبه ۲۲/۸/۹۱ کارگران بومی که ۱۱ نفر اهل سنندج، ۱۵ نفر اهل دهگلان و ۷ نفر اهل قروه می باشند را اخراج

کرده است. گفتنی است که کارفرما چندی پیش کارگران بومی را به ۲ ماه مرخصی بدون حقوق اجباری فرستاده بود که اعتراض کارگران را در بر داشت. آنان به اداره کار شهرستان دهگلان مراجعه کردند اما این اداره به آنان اعلام کرد که چون پیمانکار پروژه یکی از ارگان های مهم دولتی است، کاری از اداره کار ساخته نیست!

برگرفته از سایت کمیته هماهنگی

### در محکومیت بازداشت پدram نصراللهی

یک بار دیگر نمایندگان سرمایه در ایران، به نام صیانت از امنیت ملی، که صد البته دفاع و پاسداری از منافع طبقه خود که همانا طبقه سرمایه دار است، به صفوف کارگران تعرض نموده و یکی دیگر از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به نام «پدram نصراللهی» را به بهانه های واهی به سیاه چالهای مخوف خود افکندند؛ تا بدین وسیله و به خیال خویش مانع فوران آتشفشان توده های به ستوه آمده شوند. این در حالی است که زندگی کارگران و توده های زحمتکش ایران، در سایه سیاست های ضد کارگری موجود بیش از پیش دستخوش چالش شده و بر لب پرتگاه سقوط قرار گرفته است. به طوری که آنان از ابتدایی ترین حق و حقوق و امکانات زیستی بی بهره اند، و برخورداری از شرایط شایسته انسانی برایشان به رویایی بدل گشته است. با این وجود هستند انسان هایی که هنوز دل در گرو رهایی رنجبران و محرومان دارند و با عظمی راسخ در راه برپا ساختن دنیایی عاری از هر گونه تبعیض و نابرابری گام نهاده اند. آنان که در دفاع از سفره خالی کارگران قید هر گونه آرامش و آسایشی را زده و نستوه و استوار در کارزاری نابرابر در مقابل با دژخیمان سرمایه استاده اند.

«پدram نصراللهی» نیز همانند بسیاری از کارگران و فعالین کارگری دریند، بنا به وظیفه طبقاتی خود سعی در زودن هر گونه استثمار از چهره جامعه و

ارتقاء سطح زندگی کارگران جهت نیل به زندگی بهتر، به دفاع از هم طبقه ای های خود پرداخته و با طرح مطالبات و خواست های بر حق کارگران، به بهبود وضعیت معیشت آنان کمک نموده است. و تنها به جرم شکستن سکوت خفه کننده جامعه، محکوم به تحمل ۱۹ ماه زندان شده است.

بدین وسیله ما اعضای شورای بیکاران ضمن محکوم نمودن حکم صادره علیه «پدram نصراللهی» و تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند، خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی کسانی هستیم که دل در گرو رهایی انسان دارند. شورای بیکاران

### شهناز سگوند همسر علی نجاتی به دادگاه احضار گردید

خانم شهناز سگوند همسر علی نجاتی عضو هیئت مدیره سنديکای کارگران نيشکر هفت تپه در روز سوم آبانماه ۱۳۹۱ با مراجعه به دادگستری شوش با اتهامات واهی و شناخته شده ایی که مامورین امنیتی بر علیه کارگران معترض و خانواده هایشان بکار میگیرند (تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب و...) مورد محاکمه قرار گرفت و تبرئه شد ولی اینبار با پرونده سازی دیگری مواجه شده است. ۱۰ روز پیش احضاریه ای از طرف دادگاه شهرستان دزفول برای ایشان صادر گردیده و از ایشان خواسته اند در روز ۲۵ آذر ماه خود را به دادگاه انقلاب شهرستان دزفول شعبه ۲ معرفی نمایند

شاکای این پرونده پلیس اطلاعات و امنیت شهرستان شوش میباشد شهناز سگوند هیچ جرمی جز دفاع از همسر زندانی اش مرتکب نشده است و این بیدیهی ترین حقوق انسانی وی می باشد. اتحادیه آزاد کارگران ایران هر گونه پرونده سازی جدید بر علیه علی نجاتی و شهناز سگوند را قویا محکوم میکند و از همه تشکلهای و نهادهای کارگری میخواهد تا با اعتراضات خود اجازه ندهند این پرونده سازیها به سرانجامی برسد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
پنجم آذرماه ۱۳۹۱

### از صفحه ۱ علیه جنگ در کردستان ...

نیروهای دولت مرکزی و دولت موسوم به "اقلیم کردستان" زیانه بکشد. نوری مالکی نخست وزیر و وابسته به سازمان اسلامی حزب الدعوه، و مسعود بارزانی رئیس حزب دموکرات کردستان عراق در راس این کشاکش قرار دارند و نیروها و دولتهای مختلف منطقه از جمله جمهوری اسلامی و دولت ترکیه و دولت آمریکا نیز هرکدام به نحوی در این فضای جنگ و کشاکش تاثیرگذار و فعالند و جانب طرفی را میگیرند و منافع و مصالح خود را دنبال میکنند.

کشاکشی که جریان دارد يك کشاکش ارتجاعی و ضد مردمی بر سر دامنه قدرت و میزان سیطره بر چاههای نفت و دیگر منابع اقتصادی و نهادهای دولتی توسط هرکدام از طرفین است. تجربه چند سال اخیر نشان داده است که هم جریانات اسلامی و شیعی دست اندرکار دولت عراق، و هم نیروهای ناسیونالیست کرد، سرسوزنی در پی آزادی و رفاه و رفع تبعیض و ستم علیه هیچ بخشی از مردم عراق نیستند. برعکس هردوسوی این کشاکش اساسا و ماهیتا از يك جنسند و بخشی از نیروهای مترجع ناسیونالیست و مذهبی و قومی ای هستند که پروژه نظم نوین آمریکا و دولت بوش بر سر مردم حاکم کرده است. اینها نیروهایی هستند که طی همین سالها بارها و بارها علیه مردمی که حقوق خود را میخواهند

دست به تعرض زده و جنایت کرده اند. در کردستان عراق بارها شاهد تعرض حزب دموکرات بارزانی و اتحادیه میهنی طالبانی به تجمعات و حقوق زنان، بیکاران، روزنامه نگاران و سرکوب همه تشکلهای مستقل مردمی بوده ایم. دولت مالکی و متحینش هم تا آنجا که امکان ابراز وجود به عنوان دولت داشته است، ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی خود را بارها و بارها آشکارا بروز داده است. اکنون دولت مالکی در تلاش است اگر بتواند کردستان را همچون دولت صدام به زیر سیطره خود بکشد و عملا دست به لشکرکشی زده است. نیروهای ناسیونالیست کرد نیز منطقه کردستان را ملک طلق خود میدانند و در عین حال که به مردم این مناطق امکان ذره ای ابراز وجود نمیدهند میخواهند آنها را به سپریلای قدرت گیری خود تبدیل کنند و مردم را قربانی سیاست ها و اهداف ارتجاعی خود نمایند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه مردم در کردستان و در سراسر عراق، و همچنین مردم ایران و سراسر جهان را به مقابله با خطر جنگ و کشتار در کردستان عراق فرا میخواند. ما تردیدی نداریم که میتوان به عنوان نیروی سوم فعالانه در برابر هردو سوی ارتجاع قومی و مذهبی و نظم نوینی به میدان آمد و جلوی فاجعه علیه مردم محروم و ستم کشیده کردستان عراق را گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ آذر ۱۳۹۱  
۲۲ نوامبر ۲۰۱۲

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!